

سوره چهاردهم - ابراهیم  
این سوره در مکه نازل شده و ۵۲ آیه دارد.

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لا. را. (از حروف مقطعه قرآن) کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگار از تاریکی‌ها به روشنی درآوری. به راه خدای مقتدر ستوده! خدائی که هر چه در آسمان‌ها و زمین است متعلق به اوست. وای بر کافران از عذاب سخت! کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت برمی‌گزینند و مردم را از راه راست خدا باز می‌دارند و در آن کژی می‌جویند آنها در گمراهی دوری هستند! (۱ - ۳)

هیچ پیامبری نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا احکام را بر آنها بیان دارد. پس خدا آنها را که خواهد گمراه گرداند و کسانی را که خواهد هدایت نماید و او خدای مقتدر و دانا است. (۴)

و به تحقیق موسی را با معجزات خویش فرستادیم (و گفتیم) که قوم خود را از تاریکی‌ها به روشنی در آر. و روزهای خدا را بر آنها یادآوری کن. به راستی که در آنها نشانه‌هایی بر هر شکیبای سپاسگزار است. هنگامی که موسی به قومش گفت نعمت‌های خدا را بر خودتان به یاد آورید. هنگامی که شما را از آل فرعون نجات داد. آنها سخت‌ترین شکنجه و عذاب را بر شما روا می‌داشتند. پسرانتان را می‌کشند و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند و این آزمایش بزرگی از پروردگارتان بر شما بود. و یاد کنید هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد اگر شکر کنید البته نعمت را بر شما بیفزائیم و اگر کفر ورزید بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده می‌باشد! (۵ - ۸)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند مانند قوم نوح و عاد و ثمود و دیگران که بعد از آنها بودند به شما نیامده؟! جز خدا کسی احوال آنها را نداند. پیامبران با معجزات بر آنها آمدند اما آنها دست‌های خود را (از حیرت) بر دهان‌ها برده گفتند ما، بدان چه شما فرستاده شده‌اید، باور نداریم و از آن چه ما را بدان می‌خوانید در شک و تردید می‌باشیم! پیامبران نشان گفتند آیا درباره خدا تردید دارید؟ خالق آسمان‌ها و زمین! او شما را می‌خواند تا از گناهانتان درگذرد و عقوبت شما را تا وقت معینی به تأخیر اندازد. در جواب گفتند که شما هم مثل ما بشری هستید. می‌خواهید ما را از آن چه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید؟ وگرنه برای ما معجزه و آیاتی بیاورید! پیامبران نشان جواب دادند ما هم مثل شما بشری هستیم. اما خداوند از بندگانش هر که را خواهد منت گذارد (و نبوت هد). ما نمی‌توانیم بدون اذن و خواست خدا معجزه‌ای برایتان بیاوریم و مؤمنان باید توکلشان بر خدا باشد! چرا ما نباید بر خدا توکل کنیم در حالی که او ما را به راه راست هدایت کرد و البته ما به آزاری که شما می‌رسانید صبر خواهیم کرد و مؤمنان بر خدا توکل می‌نمایند. (۹ - ۱۲)

کافران به پیامبران نشان گفتند همانا شما را از سرزمینمان بیرون می‌کنیم مگر آن که به آئین ما بازگردید. خدا به آنها وحی کرد که البته ستمگاران را هلاک گردانیم و شما را از پی آنها در این سرزمین سکونت دهیم و این برای آن کس است که خوف من در دل دارد و از وعده عذاب من بیمناک باشد! پیامبران تقاضای پیروزی بر کافران کردند و ستمگاران نومید گشتند. (۱۳ - ۱۵)

در پیش روی هر ستمگر دوزخ است و بدو در آن چرکابه و خون‌آبه می‌نوشانند! آن را جرعه جرعه بنوشد و فرو بردن آن نتواند! و مرگ از هر سو بدو روی آورد ولی او

نمیرد و از پس آن عذاب سختی باشد! مثل اعمال کسانی که به پیامبران تقاضای پیروزی برشان کفر ورزیدند به خاکستری ماند که در روز طوفانی باد تندى بر آن بوزد (که هیچ نماند. کفران نیز) از آن چه کسب کرده‌اند به چیزی قادر نباشند! این است همان ضلالت و گمراهی دور! مگر نبینی که خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده است؟ اگر مشیت او تعلق گیرد شما را می‌برد و خلق جدیدی جانشین شما می‌سازد و این کار بر خدا دشوار نیست. (۱۶ - ۲۰)

روزی که مردم همگی در محضر الهی حاضر شوند ضعفا بر متکبران و گردنکشان گویند ما در دنیا از شما پیروی کردیم آیا شما امروز ما را در چیزی از عذاب‌خدا بی‌نیاز می‌کنید؟ آنها جواب دهند اگر خدا ما را هدایت می‌کرد ما هم شما را هدایت می‌کردیم! (اکنون) برای ما یکسان است که بی‌تابی کنیم یا شکیباً باشیم زیرا برای ما هیچ راه و گریزگاهی از عذاب نیست! (۲۱)

و چون کار (داوری‌ها در محشر) به پایان رسد شیطان (خطاب به دوزخیان) گوید همانا خدا با شما وعده کرد و عده‌حق. من هم با شما وعده کردم ولی خلاف آن را نمودم. من هیچگونه فرمانروائی بر شما نداشتم جز این که شما را خواندم و شما اجابت کردید. پس مرا سرزنش نکنید بلکه خویشتن را ملامت نکنید. (امروز) نه من فریادرس شمایم و نه شما به فریاد من می‌رسید زیرا من از پیش نسبت به آنچه مرا شریک گرفتید کفر ورزیدم. همانا بر ستمگاران عذاب دردناکی خواهد بود! (۲۲)

و کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیکو انجام دادند در بهشت‌هائی درآوردند که از زیر (درختان) آنها نهرها روان است و به اذن پروردگارشان در آن جاویدان بمانند و درود آنها در آنجا سلام باشد! مگر ندیدید که خداوند چگونه مثل زد؟ کلمه پاک مانند درخت پاکى باشد که ریشه آن ثابت است و شاخه‌های آن در آسمان باشد. همیشه به اذن پروردگارش میوه می‌دهد و خدا بر مردم مثل‌هائی می‌زند شاید که آنها پند گیرند! (اما) مثل کلمه ناپاک همچون درخت پلیدی باشد که ریشه‌اش از روی زمین کنده شده هیچ ثبات و قراری بر آن نباشد. خداوند کسی را که با قول ثابت و استوار ایمان آوردند در حیات دنیا و آخرت استواری دهد و ستمگاران را خوار و گمراه سازد و آن چه را که بخواهد انجام دهد. (۲۳ - ۲۷)

آیا ندیدی آن کسان را که نعمت خدا را به کفر مبدل ساختند و قوم خویش را برای تباهی آوردند؟! به دوزخشان در می‌آوردند که بدترین جایگاه است! بر خدا شریکی قرار دادند تا مردم را از راه راست او گمراه سازند. بگو بهره گیرید همانا بازگشتن به آتش دوزخ باشد. (۲۸ - ۳۰)

(ای رسول!) به آن بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز برپا دارند و از آن چه که روزی آنها کرده‌ایم در نهان و آشکار احسان و انفاق نمایند پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه خرید و فروشی باشد و نه دوستی‌ئی! خدا است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان باران فرود آورد و با آن میوه‌های گوناگون برویانید برای روزی شما. و کشتی‌ها را به خدمت شما گماشت که به اذن او در دریاها روان شوند. و نهرها را مسخر شما گردانید. خورشید و ماه گردنده و شب و روز را بر شما مسخر ساخت. و از هر آن چه که از او خواستید بر شما عطا کرد. و اگر شما بخواهید نعمتهای الهی را بشمارید هرگز شمردن آن نتوانید. به راستی که انسان ستمگار ناسپاس است! (۳۱ - ۳۴)

هنگامی که ابراهیم گفت پروردگارا! این شهر (مکه) را برای من مکان امنی قرار ده و من و نسل مرا از پرستش بت‌ها بازدار! پروردگارا! آنها (بت‌ها) خیلی از مردم را گمراه

کرده‌اند! پس هر که از من پیروی کند از من است و هر که بر من نافرمانی کند تو آمرزنده مهربانی. پروردگارا! من فرزندانم را در وادی بی‌کشت و زرعی، نزدیک خانه با حرمت تو مسکن دادم تا نماز برپا دارند. تو دل‌های مردم را به آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنان را روزی برسان باشد که شکر نعمت‌های تو را به جای آورند! پروردگارا! تو آن چه را که ما پنهان و آشکار می‌کنیم می‌دانی و البته در زمین و آسمان چیزی بر خدا پنهان نمی‌ماند! سپاس بر خدائی که در سن پیری اسماعیل و اسحق را به من عطا فرمود همانا پروردگار من شنونده دعاها است! پروردگارا! من و فرزندانم را برپا کننده نماز قرار ده، بار الها! دعای مرا اجابت کن! پروردگارا! بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان بیخشای در آن روز که حساب به پا شود! (۳۵ - ۴۱)

مپندار که خدا از عمل ستمکاران غافل است. بلکه او کیفر آنها را تا روزی که چشم‌ها در آن خیره می‌شود به تأخیر اندازد! (که در آن روز) شتابندگانند. سرهایشان در پیش افکنده شده چشم‌هایشان خیره بازمانده و پلک‌هایشان بی‌حرکت است و دل‌هایشان خالی باشد! (۴۲ - ۴۳)

(ای رسول!) مردم را بیم ده از روزی که عذاب بر آنها برسد. پس کسانی که ستم کردند گویند پروردگارا! ما را تا مدت نزدیکی مهلت بده تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیامبران تو را پیروی نمائیم. (خطاب رسد) مگر شما نبودید که پیش از این سوگند می‌خوردید بر شما زوالی نیست؟! در مساکن آنهایی که بر خود ستم کردند مسکن‌گزیدید و اطلاع یافتید که با آنها چه سان عمل کردیم و سرگذشت آنها را بر شما مثل آوردیم! آنها به یقین نیرنگ کردند ولی نیرنگشان پیش خدا است هر چند مکر و نیرنگشان چنان باشد که کوه‌ها را از جا برکنند!

مپندار که خدا از وعده خویش بر رسولانش خلاف کند بی‌گمان که خدا نیرومند و انتقام گیرنده است! روزی فرا رسد که زمین و آسمان‌ها غیر از این زمین و آسمان‌ها شود و مردم در پیشگاه خدای مقتدر واحد حاضر گردند. و گناهکاران را در آن روز با زنجیر به هم بسته بینی! لباس‌های آنها از مس کدازنده باشد و آتش روی آنها را بیوشاند! تا خدا هر کس را بدان چه کرده است جزا دهد که خدا سریع‌الحساب است! (۴۴ - ۵۱)

این کفایت است بر مردمان تا با آن بیم یابند و بدانند که جز او معبودی نیست. و نیز صاحبان خرد پند گیرند. (۵۲)